فرصتهای ماه مبارک رمضان

**در این ماه رمضان 7 فرصت استثنایی وجود دارد که از آنها به عنوان رمضان و فرصتهای استثنایی، فرصتهای طلایی، رمضان و زمینه های نورانی و ... می توان یاد کرد...**

 شناخت، فهم و فضیلت ماه رمضان مهم تر از شناخت زمان و مسایل صوری آن است. یکی از دعاهای امام سجاد(ع) این است: «اللَّهُمَّ وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ؛  (1) خدایا! به ما توفیق معرفت فضیلت ماه رمضان و تکریم و تجلیل از این ماه را عنایت کن!»؛ گرچه آغاز و پایان احکام ماه رمضان مهم است و ماه رمضان استوار بر این احکام است؛ امّا شناخت فضیلت و حرمت این ماه کم تر از شناخت اصل احکام و آداب آن نیست.

در این ماه رمضان 7 فرصت استثنایی وجود دارد که از آنها به عنوان رمضان و فرصتهای استثنایی، فرصتهای طلایی، رمضان و زمینه های نورانی و ... می توان یاد کرد.

**اول: فرصت تقویت اراده و تصمیم گیری**   
یکی از مشکلاتی که در جامعه امروز وجود دارد، ضعف اراده و تصمیم گیری است؛ خیلیها می گویند: من می دانم بد اخلاق هستم، اما نمی توانم بر بد اخلاقیم غلبه کنم، من نباید اعتیاد داشته باشم، نباید ناسزا بگویم، نمی توانم و نمی شود. گاهی افراد به گرفتاریهای مختلف اظهار ضعف اراده می کنند.  
ماه رمضان، ماه تقویت اراده است؛ خیلی علاقه مند به غذا هستید، اما غذا نمی خورید و یا علاقه مند به آب هستید و آب نمی خورید و نزدیک؟ 14 یا 15 ساعت تحمّل می کنید؛ این تقویت اراده است و اولین فرصت طلایی و زمینه ای است که در اختیار ماست، به شرط اینکه انسان خود را بشناسد.  
نبی مکرم اسلام حضرت محمد(ص) به همراه اصحابشان از بیابانی عبور می کردند، پیامبر به اصحاب فرمود: «توقّف کنید»، توقّف کردند. سپس حضرت(ص) فرمودند: «الان یک کسی به ما می رسد، از کنار ما عبور می کند، که سه روز است شیطان بر او نفوذ نکرده و بر او راه نیافته است.» تمام چشمها به بیابان دوخته شد. یک وقت دیدند، یک عرب لاغر اندام، چشمها به گودی افتاده، دارد با یک شتر نحیفی می آید، وقتی نزدیک اصحاب رسید، پرسید: پیغمبر کیست؟ گفتند: ایشان، و حضرت را به او معرفی کردند. عرض کرد: یا رسول الله! سه روز است تصمیم گرفته ام بیایم مسلمان شوم، سه روز است تصمیم گرفته ام، همۀآن عوارض و پیرایه، و بت پرستیها را کنار بگذارم، لذا در به در دنبال شما می گردم تا بیایم مدینه، حالا شما را توی این بیابانها پیدا کردم. شهادتین گفت و عرض کرد: آقا جان! چه کنم؟ فرمود: نمازت را بخوان، ماه رمضان روزه بگیر، حج بیت الله را یکبار در عمرت اگر مستطیع شدی به جای آور، زکات اموالت را بده، مالت را پاک نگهدار. اینها وظایفی است که به گردن تو است.  
عرض کرد: یا رسول الله(ص)! همینها من را بس، خداحافظی کرد و رفت. پیامبر(ص) هم به راهشان ادامه دادند. بعد از مدتی که راه رفتند، پیامبر ایستاد و فرمود: «بر گردید، این شخص از دنیا رفت.» اصحاب علّت آن را پرسیدند، حضرت فرمود: «شترش توی یک چاله و گودالی گیرد کرد و او از روی شتر سقوط کرد، به سنگ بزرگی برخورد کرد و در دم جان داد.»  
نبی مکرم اسلام(ص) اصحاب را آوردند، کنار بدن این شخص خیمه زدند و فرمودند: «کسی وارد نشود.» بدن را داخل خیمه بردند، غسل دادند و کفن کردند. آن شخص می گوید: وقتی پیامبر آمد بیرون، دیدیم از تمام پیشانی اش عرق می ریزد.  
سؤال کردیم یا رسول الله(ص)! چه شده است؟ فرمود: «آنقدر فرشته آمده بود تا با او سلام و درود بدهد و با یک دنیا سلام و تحیت وارد بهشت شد.»(2)  
این تصمیم و ارادۀ واقعی است که در این ماه رمضان تقویت می شود.  
  
**دوم: فرصت آشتی با خداست**   
در ما مبارک رمضانی، فرصت آشتی با خدا وجود دارد، هرکس قهر بوده، خدا زمینه و سراشیبی گذاشته تا در این فرصت با خدا آشتی کند.  
حضرت عیسی بن مریم  از جایی عبور می کرد، گروه اول را دید که گریه می کنند. گفت: گریۀ شما از چیست؟ گفتند: ما از آتش جهنم می ترسیم. فرمود: بدانید کسی که اینطور از خوف خدا اشک می ریزد، خدا او را از آتش می رهاند، امید داشته باشید، آتش جهنم بر بدن شما برخورد نکند. گروه دوّم را دید که ناله می زنند! پرسید شما چرا اشک می ریزید و تضرع می کنید؟ گفتند: عیسی! ما عشق بهشت داریم، جایی که در آن لغو، گناه، دروغ و خلاف نیست؛ جایی که فرشته ها و انبیا در آن هستند. فرمود: امید داشته باشید خدا به شما بهشت بدهد. رسید به گروه سوّم و از آنها پرسید شما چرا اشک می ریزید؟ گفتند: ما خدا را دوست داریم! فقط همین. فرمود: «اَنتُمُ المَقَرِّبُونُ؛ شما مقرّبترید.» آن دو گروه هم خوب بودند، اما شما مقربید و بالاترید و این نتیجۀ حبّ خداست. (3)  
امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: «دوازده نکته در تورات است که من آنها را به عربی ترجمه کردم و روزی سه بار به آنها نگاه می کنم.  
یکی از آنها این است: «یَابنَ آدَمَ! اُحِبُّکَ فَأَنْتَ اَحْبِبْنِی؛ ای انسان! من تو را دوست دارم، تو بندۀ منی، تو هم من را دوست داشته باش.»  
آری ماه رمضان، ماه آشتی با خدا است و اگر کسی به هر دلیلی ارتباطش با خدا کم رنگ شده، در ماه رمضان این فرصت طلایی را از دست ندهد.  
  
**فرصت سوم: فرصت برنامه ریزی و نظم است**   
یکی از مشکلاتی که درزندگی همۀ ما وجود دارد، مشکل عدم برنامه ریزی و نظم است؛ ماه رمضان، دو ورود و خروج منظّم دارد که همه، آن را رعایت می کنند. ورود به ماه و خروج از ماه و این نظم ماه رمضان است. به طور مثال داری غذا می خوری، یک دفعه کنار می گذاری، می گویی اذان شد، و یا از تشنگی به خودت می پیچی، اما آب نمی خوری و می گویی باید افطار شود.  
اول ماه آغاز می کنی، عید فطر افطار می کنی ما چه خوب است که بقیۀ زندگیمان هم همین گونه باشد؛ نماز اول وقتمنان روی نظم باشد. برنامۀ خانوادگیمان هم روی نظم باشد.  
در رمضان با این فرصت طلایی می توان برنامه ریزی و نظم را در زندگی گسترش داد.

**چهارم: فرصت رفع کدورت**   
در این ماه، باید اختلافها و کدورتها را کنار بگذاریم و در مقابل رفت و آمدها و دید و بازدیدها را زیاد کنیم.  
«ثَلَاثَةٌ لَا تُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةً عَبْدٌ آبِقٌ مِنْ مَوَالِيهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ فَيَضَعَ يَدَهُ فِي أَيْدِيهِمْ وَ رَجُلٌ أَمَّ قَوْماً وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ وَ امْرَأَةٌ تَبِیتُ وَ زَوْجَهَا عَلَیْهَا سُاخِطٌ؛ (4) سه گروه هستند که نماز آنها قبول نمی شود: 1. عبدی که از مولای خود قهر کرده که باید به نزد او برگردد [و با او آشتی کند] و دست او در دست مولای خود قرار گیرد و دیگری مردی که بر قومی حکمفرمایی می کند و آن قوم او را نمی خواهند و سوم زنی که شب بخوابد و شوهرش بر او خشمناک باشد.»  
یکی از زمینه های قبول نشدن نماز، کدورت و قهر است که در ماه رمضان فرصتی است برای از بین بردن این کدورتها.  
  
**پنجم: فرصت صبر در ماه رمضان**   
ماه رمضان ماه صبر و تحمّل است. ماه صبر در برابر گناه، معصیت، روزه خواری و... است. آدم صبور تا اذان مغرب نشده، افطار نمی کند. این صبر را باید در سایر ایام هم تعمیم داد.  
  
**ششم: فرصت قناعت در ماه رمضان**   
در ماه رمضان، مؤمنان با مناعت طبع و قناعت، زندگی می کنند، حال این را می شود تعمیم داد. و در سایر روزهای سال و در همۀ مراحل زندگی قناعت را سر لوحۀ همۀ امور قرار داد.  
  
**هفتم: فرصت پیوند با ولایت در ماه رمضان**   
ماه رمضان شب احیا دارد، مؤمنان در شبهای احیا، اسامی ائمه(ع) را بر زبان جاری می کنند، در مجالس می نشینند، روضه می شنوند و اشک می ریزند؛ این بهترین فرصتی است که می توان خود را به اهل بیت(ع) نزدیک کرد.  
شهید مطهری ارادت ویژه ای به مرحوم علامه طباطبایی داشت: وقتی علّت را از او پرسیدند در جواب می گفت:  
علامه طباطبایی  صفات برجسته ای دارد، یکی از آنها این است که ایشان هر افطار می آمد، اول ضریح حضرت معصومه(س) را می بوسید بعد می رفت منزل و افطار می کرد، درتمام روزهای ماه رمضان دیدم، علامه افطارش را با بوسه به ضریح حضرت معصومه(س) قرار می داد. این همان فرصت پیوند با ولایت است.  
اینکه در شب اول ماه رمضان، نیمه ماه رمضان، آخر ماه رمضان و در شبهای قدر زیارت امام حسین(ع) مستحب است و در روایات آمده که هر کس در ماه رمضان به زیارت امام حسین(ع) برود، گویا با همۀ انبیا مصافحه کرده است، این همان پیوند با ولایت است.  
والسلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

**پی نوشت:**

1) صحیفۀ سجّادیه، نشر الهادی، قم، 1418 ق، ص188.  
2) جلوه‏های اعجاز معصومین ، غلامحسن محرمی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1378ش، چ2، ص69.  
3) وَ يَرْوِى أنَّ عِيسَى مَرَّ بِثَلَاثَةِ نَفَرٍ قَدْ نَحِلَتْ أَبْدَانَهُمْ وَ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانَهُمْ فَقَالَ لَهُمْ مَا الَّذِي بَلَغَ بِكُمْ مَا أَرَى فَقَالُوا الخَوْفُ مِنَ النَّارِ فَقَالَ حَقًّ عَلَى اللهِ أَنْ يُؤْمِنَ الْخَائِفُ ثُمَّ جَاوَزَهُمْ إلَى ثَلَاثَةٍ آخَرينَ فَإذَا هُمْ أشَدُّ نُحُولاً وَ تَغَيُّراً فَقَالَ مَا الَّذِي بَلَغَ بِكُمْ مَا أَرَى قَالُوا الشَّوْقُ إلَى الْجَنَّةِ فَقَالَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَنْ يُعطيكُمْ مَا تَرْجُونَ ثُمَّ جَاوَزَهُمْ إِلَى ثَلاَثَةٍ آخَرينَ فَإِذَا هُمْ أُشَدُّ نُحُولاً وَ تَغَيُّراً كَانَ عَلَى وُجُوهِهِمْ اَلْمَرَايَا مِنَ النُّورِ فَقَالَ مَا الَّذِي بَلَغَ بِكُمْ مَا أَرَى فَقَالُوا نُحِبُّ الله عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ أَنْتُمُ الْمُقَرِّبُونَ أَنْتُمُ الْمُقَرِّبُونَ.» تنبیه الخواطر، (مجموعۀ ورام)، ورام بن ابی فراس، مکتبۀ فقهیه، قم، ج1، ص224.  
4) اَمالی، شیخ مفید، نشر کنکرۀ شیخ مفید، قم، 1413ق، چاپ اول، ص173.

**منبع : ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره 143.**

http://zitova.ir/index.aspx?siteid=68&pageid=10061&newsview=89848